

برای درهم شکستن دستگاه دولتی طاغوت

ماز پیشنهاد دانشجویان مسلمان پیرو خط امام صمیمانه پشتیبانی میکنیم



دوره هفتم، سال دوم، شماره ۲۹۱
پنجشنبه ۲۴ مرداد ۱۳۵۸ - تکمیل ۱۵ ریال

دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، در اعلامیه اخیر خود با استقبال از توصیه و تاکید امام خمینی در استفاده از نیروهای جوان، قاطع و انقلابی، پیشنهاد کرده اند که برای اداره وزارتخانه ها، از جوانان شاعر در سپاه پاسداران، جهاد سازندگی، جوانان مسلمان متعهد و اعضاء شوراهای اسلامی کارخانه ها استفاده شود.

تجربه دوران پس از انقلاب نشان داده است که ماشین دولتی جهنمی طاغوت برای سرکوب مردم و خدمت به امپریالیسم و استبداد سلطنتی ساخته شده، و هرگز ممکن نیست بسود انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی ما بچرخد، این دستگاه حجیم، نه تنها پارای دمسازی با یو پائی انقلاب ما را ندارد بلکه درست برای مقابله با آن ترمز کردن و فلج کردن آن بکار میرود. جو سازمانهای دولتی از سنن، آداب و ارزشهای منحن و تحیف دوران طاغوت غلظت پذیرفته

است، آنجا که این دستگاه عریض و طویل باید در خدمت مردم مستضعف باشد و دردی از دل آنان بردارد، دادخواهی توده ها، پرواک در برهوت دارد و هیچ قلم و قلمی به یاری آنان نمی نشاند. مردم از درآمد نزار خود مالیات می پردازند، تا دادخواه عادل داشته باشند و از بی عدالتی ها به آستان آن پناه برند، تا ارتش و پلیس منضبط مردمی داشته باشند که پاسدار مرزهای کشورشان و امنیت مرز و بومشان باشد، تا برای زحمتکشان زندگی انسانی فراهم شود، تا کشاورزی موفق و صنعت خودکفا داشته باشند، اما دستگاه اداری طاغوت با آنکه از جیب توده های مستضعف تغذیه میکند ولی رو به مردم ندارد درد آشنا نیست بر خلق تکیه ندارد.

انتظار اینکه با تغییرات جزئی میتوان این دستگاه را به خدمت مردم گماشت انتظار ساده لوحانه ای است. چرا که

خواننده عزیز!

تا محدودیت های کنونی کار تحریریه و مور مربوط به چنانچه از زمین نرفته و مشکلاتی که گروه های قشار غیر مسئول ایجاد کرده اند باقی است تا جا ریم تا ماه مردم را در چهره رفیع به شما عرضه کنیم. بپوش می طلبیم، که به این علت، نمی توانیم پاسخگوی انتظاریه حق و به جای شما در زمینه در بر گرفتن همه مسائل، داخلی و خارجی، و تنوع مطالب با شیم و بسیاری با زکشت هر چه زودتر به وضع عادی و رفع مشکلات و محدودیت های ایجاد شده، به پشتیبانی شما مستظهریم.

جعل و دروغ درباره هجوم به خانه حزب

اگر چنین باشد فرق زیادی با دوران طاغوت، در این زمینه، نگردانیم. که در آن زمان هم دروغ و تهمت و جعل شالوده، رفتار سیاسی را نسبت به دیگران تشکیل می داد. جقدر مردم مبارز ایران را کشتند و گفتند خرابکار و جاسوس اند؟ جقدر مسلمان متعهد را کشتند و زندانی کردند و گفتند که... هستند؟ جقدر طرفدار سوسیالیسم راستین را کشتند و شکجه دادند و تیرباران کردند و

روزنامه "صبح آزادگان" نوشته است: جوانان... دست به عمل انقلابی تصرف مرکز جاسوسی حزب توده خائن زدند و هنگام ورود به ساختمان با دویم روبرو شدند که یکی نارنجک و دیگری تی ان بی جاسوسی بوده است... با یکی دو دستگاه کاغذ خردکنی (از آن ها که در مرکز جاسوسی آمریکا بوده است) روبرو شدیم و یکسری فیلم و عکس بود که اعضاء دولت در آن مشخص شده بودند و آدرس و مشخصات هر کدام (!) در روزنامه سکو با این محل تماس گرفته می شد که متاسفانه موفقی به ضبط تلفنی نشدیم (!) خود آقای کابوری برادران را تهدید به مرگ کردند (!) یکسری از اسناد جاسوسی به دادستانی برده شده است و یکسری از آن "هوز" موجود است. در این اسناد ارتباط حزب توده با عبدالرحمن قاسطو نیز مشخص شده است (!).

روزنامه "جمهوری اسلامی" نیز ضمن "آگاه ساختن مردم از این که" انواع و اقسام کتابها و نشریات غیر قانونی و جوب و جملی و وسایل کوهنوردی! در دفتر کشف شده اضافه می کند: هواداران حزب توده سعی در ایجاد درگیری داشتند که با هشاری پلیس و پاسداران این توطئه خستی گردید.

یک روزنامه دیگر نیز خبر از کتب بطری "عرق" داده است.

کمان می کنیم، در حرف، کسی مکر نباشد که رعایت موازین اخلاقی حتی در درگیری های سیاسی و در رویارویی های که رقابت های کتبه بیانه را برانگیزد، کاملاً ضروری است و در جامعه انقلابی ما جز این هم نباید باشد. بخصوص گمانی که مدعی اخلاقی اسلامی هستند. اگر کمترین دل بستگی به حفظ شئون انقلابی در خود حس می کردند، می بایست حداقل موازین اخلاقی را رعایت کنند و دست کم دروغ نگویند و جعل نکنند و قواعد شرافت را نقض نکنند حرمت صداقت را پاس دارند.

جنایت جدید ضد انقلاب

پاسداران و ما مورین شهرانی مسدود شادور خیابانهای مجاور مردم پلاکارها بی در دست داشتند که توسط آن ها برای دادن خون استمداد شده بود. چهره های غمزده و خشمگین مردم خشم آنها را نسبت به این جنایت وحشیانه فدا انقلاب نشان می داد.

بنا به خبر روزنامه اطلاعات، گروه "فرقان" مسئولیت بمب گذاری در پاساژ کیمانی را به عهده گرفت و یک نفر تا شناس که خود را عضو گروه فرقان معرفی می کرد تلفنی اطلاع داد که اعضاء جدید گروه فرقان برای انتقام اقدام به بمب گذاری کرده اند.

ما مراتب همدردی عمیق خود را با خانواده های داغ دیده بیان می داریم و این عمل وحشیانه عمال فدا انقلاب را که برای ایجاد تشنج و جونا امنی صورت می گیرد به شدت محکوم می کنیم.

صبح دیروز چند بمب با قدرت تخریبی زیاد در پارکینگ پاساژ کمپانی، روبروی ساختمان پلاسکو، بین کوچه برلن و اسلامبول منفجر شد و بیش از یکصد نفر زخمی و چند نفر کشته به جای گذاشت.

ساعت ۹/۴۰ دقیقه صبح دیروز سه بمب قوی در پارکینگ پاساژ کمپانی منفجر شد. بر اثر شدت انفجار شیشه های مغازه های اطراف پاساژ خورد شده و اکثر مغازه های داخل پاساژ دچار خرابیها و خسارت های بسیار شدند و عده ای زیر آوارمانندند. در این حادثه بیش از یکصد نفر مجروح شدند و تا عصر دیروز عده کشته شدگان ۶ نفر اعلام شد. مجروحین این حادثه به بیمارستان های بانک ملی، امیر اعلم، سینا و رضاییها منتقل شدند.

پس از وقوع این حادثه، خیابان اسلامبول حداقل بین لاله زار و فردوسی توسط

خود فریبی است اگر تصور کنیم از خطر توطئه امپریالیسم کاسته شده

"تفرقه" باعث نفوذ دشمن خواهد شد. اگر دشمن بر کشور غلبه کند از قشر جدید و قشر قدیم از روحانی و قشر منور الفکر کسی را باقی نخواهند گذاشت. اما خمینی، کیهان ۱۱۲ سفند ۱۳۵۸

از زمانی که امام این هشدار واقع بینانه و ژرف اندیشانه را به مردم ایران داده اند، قطع نظر از توطئه های کوچک که با دست عا ملیین داخلی امپریالیسم فرا هم شده و زینا نهایی به جمهوری اسلامی ایران وارد آمده است، در حلقه عمده از زنجیره توطئه های امپریالیستی در پرتو تهمت و فدا کاری و هشاری مردم و فدا کاران پهای سپاه پاسداران در هم ننگسته است. ولی نهایت خود فریبی خواهد بود اگر گمان کنیم امپریالیسم ها رود رنده بر سر عقل آمده و از توطئه و دسیسه علیه انقلاب شکوهمند ما و رهبری انقلاب و نیروهای راستین انقلابی دست

تذکراتین نکته و انگشت گذاشتن بر روی اهمیت خطر نه بدان سبب است که مردم دچار وحشت بشوند. گویا اینکه مردم قهرمان ایران در خلال دوران انقلاب، و در این یکسال و چند ماهی که از پیروزی درخشان انقلاب امپریالیسم شکن، می گذرد نشان داده و در هر مرحله ثابت کرده اند که شورا انقلابی آنها همچنان جوانان مانده و آماج دگی و توانایی آنها دارند کسه توطئه دشمن را درهم بشکنند.

شرایط لازم و کافی برای مقابله با هر دسیسه دشمن هر قدر هم خوبین و توانم باد زندگی باشد کاملاً فراهم است. تنها حرف بر سر است که نباید غافل و خوش خیال باقی ماند، باید در مقابل این دشمن آشتی ناپذیر و وحشی و سر سخت شیار بود و برای مقابله با حلقه های بعدی این زنجیره نیروهای انقلابی و راستین را بسیج کرد.

شاید خبر بمب گذاری های دیروز بتواند آنها بی را که در روی پای های دور و دراز دشمن را فراموش کرده و می گوشتند تا انقلابیون صادق و راستین را طبق محاسبه های کوتاه نظرانه زیر ضرب قرار دهند بخود آورد و پورده های بنده را از جلو چشم آنها برکتنا سازد و اهمیت جدی خطر را که مسلماً خود آنها را هم کمتر از رهبری انقلاب و دیگر نیروهای راستین انقلاب تهدید نمی کنند درک کنند. بحتمل این تازیانه ای باشد که بتوا ندا کار را منجمد و کرخ را بیدار و به اهمیت خطیر موقعیت متوجه سازد.

برای خنثی کردن توطئه دشمن پرنده ترین اسلحه، اتحاد دمل نیروهای وفا دار به انقلاب است. هر قدمی که در راه تفرقه نیروها برداشته شود سدی از جلو راه دشمن برای دست یافتن بر میمنه ما و درهم شکستن انقلاب شکوهمند ما برداشته شده است. این تذکره امام خمینی را هزارها و هزارها با ربا پدید تکرار کرد: تفرقه باعث نفوذ دشمن خواهد شد. ایجاد تفرقه به شکل بهر عنوان و زیر هر پرده کسه باشد، و انگیزه و عامل ذهنی آن هر چه باشد فقط و فقط بسود دشمن تمام خواهد شد. تردیدی نیست که فدا انقلاب کوشیده و باز هم منتهای تلاش خود را بکار خواهد برد تا پاسا

دولت استبدادی وابسته از بنیان برای خدمت به امپریالیسم و طبقات فئودال و سرمایه دار وابسته بوجود آمد. این دستگاه به مردم فخر می فروخت و به طاغوت کرش میکرد مثنی را که باید به سر دشمن فرود آورد و گلوله های راکه باید در قلب دشمن بشاند، در سینه جوانان وطن دوست می نشاند. کارگر در حقیقت بود و سرمایه دار غارتگر و است در اوج، دهقان در مذلت بود و ارباب مفتخوار، غرق رفاه و تجمل، مردم محروم میلیون، میلیون و نسل اندر نسل در بیخوله ها زاغه ها و کلبه های توری خورده نکتت بار زندگی میگذراندند و دستگاه دولتی طاغوت از منافع دزدان، رشو خواران و غارتگران مدافعه مینمود و فرهنگ طبقاتی موجب میشد که مردم میلیون، میلیون و نسل اندر نسل بیسواد و جاهل بدینا آیند و از دنیا برونده میه مزایا در انحصار افسار مرفه و ممتاز باشد، میلیونها زن مرد کودک روستا و شهر روی بزنک و دارو در همه عمر نمی دیدند، اما سگ و گریه و اسب و طوطی طاغوت و اطرافیان بدست حاذق تیر پزگان جهان درمان میشدند، زیر سلطه استعمارانه قوانینی که بسود طبقات ممتاز تدوین شده بود، هست نیست مردم بر باد میرفت و دادرسی نبود. آن عده ای کارمندان شریف، صدیق و مردم دوست که برای امرار معاش ناگزیر در ماشین دولتی طاغوت جای گرفته بودند، یا پوسته عادات چشمشان را می بست و یا در جو مختلق آنروز تک آوایشان بازتابی نداشت، دستگاه دولتی لخت و ستورم و بی تحرک به حیات انگل وار خود همچنان ادامه میداد.

انقلاب ۲۲ بهمن می بایست در این دستگاه بیگانه با انقلاب انفجار بوجود آورد. انقلاب می بایست همه کنهها را درهم ریزد و نو برجایش بنشاند، که نشانند کهنه ترین دستگاه مانده از طاغوت، ماشین دولتی او بود که باید درهم شکسته میشد، اما دولت مجری سیاست گام با گام که بلافاصله پس از انقلاب زمان امور را در دست گرفت، انقلاب را بدون طاغوت میدانست و در این باور نبود که طاغوت را باید با همه ضد ارزشها و سازماندهی هایش در ارتش و دولت به کورستان فرستاد تا نهال انقلاب مجال تنفس و رشد یابد چنین بود که انقلاب محاسط در شبکه ساختهها و مانده های طاغوت از یو پائی باز ماند و پای شتابن لنگیدن گرفت نظام سرمایه داری همچنان بر جای ماند، محمدهلی ایزدی فئودال بزرگ در راس وزارت کشاورزی دوران انقلاب قرار گرفت، امیران نظام معاون نخست وزیر سخنگوی انقلاب شد، نزیه بر راس شرکت ملی نفت قرار گرفت، نیک خلق معاون وزارت بازرگانی و مقدم مراغه ای استاندار و نماینده مجلس خیرگان شد، اینان میزدهای مناسبی برای پر کردن جاهای خالی شده در دستگاه دولتی طاغوت بودند، اما به درد انقلاب نمی خوردند، بهمین جهت بود که جرخ انقلاب در گردش خود این عناصر بیگانه از خود را بخود نگرفت و آنانرا دفع کرد و سرانجام مسئله زیرورو کردن دستگاه دولتی طاغوت بعنوان یک ضرورت مطرح شد که امام خمینی فرمان طاغوت زدائی در ادارات دولتی در سطح و در عمق داد.

فرمان طاغوت زدائی امام همزمان با انتخاب دولت جدید است. ما با دانشجویان مسلمان پیرو خط امام موافقت کامل داریم که دولت منتخب نخستین مجلس جمهوری اسلامی ایران باید برکسانی تکیه کند که طی دوران پس از انقلاب به ایمان و ایقان خود را به انقلاب و عشق خود را به رهائی مردم به اثبات رسانیده باشند، با دستگاه گذشته پیوند نخورده باشند، آلوده به انحطاط و ابتذال دوران طاغوت نباشند، جوانان پر شوری که در ۱۶ ماهه پس از انقلاب جان بر کف خود را وقف انقلاب ساخته اند، به یقین میتوانند مطمئن ترین تکیه گاه دولت جدید باشند، دولتی که امام از آن قاطعیت انقلابی خواسته است.

جوانان پر شور میهن پرستی که لانه جاسوسی آمریکا را تصرف کردند و با این نوآوری کم نظیر حرکت بعدی خود که افشا سرسپردگان آمریکا بود به تشدید مبارزه ضد امپریالیستی مردم و شناسائی چهره ها و مهره ها یاری رساندند، جوانانی که در صف سپاه پاسداران تا آنجا که توانستند مانع از خرابکاری و توطئه ضد انقلاب شدند و هر کجا که ضد انقلاب سر بلند کرد، سر او را با سنگ کوفتند، جوانان مومن و فداکار جهاد سازندگی که رفاه زندگی شهری را فراموش کردند و به کمک برادران دهقان خود به روستاها رفتند، آنها که اوقات خود را وقف بهبود شرایط کار و زندگی کارگران و سایر اقشار محروم جامعه نمودند، همه هم شایسته آنند که انقلاب آنانرا در مواضع حساس خدمت به مردم بنشاند. انقلاب از آنان فیض گیرد و آنان به کشور مردم فیض برسانند این تنها راه و نزدیکترین راه برای درهم شکستن دستگاه دولتی طاغوت و ایجاد دستگاه دولتی انقلاب است سخن بر سر تغییرات جزئی نیست سخن بر سر مداوم قطع انقلاب، جبران انقلابی کمبودهای گذشته، از میان بردن دستگاه حاکمیت طاغوت و بی ریزی دستگاه حاکمیت خلق است.

به کدام سو خواهیم رفت؟

اما چینی: "باید مجلس با قاطعیت عمل کند. سخنان اما خمینی در دیدار با اعضای شورای عالی قضایی از اهمیت ویژه ای برخوردار است. اما ما با صراحت و قاطعیت انقلابی، عملکرد مسئولان دولتی را در دوران پس از انقلاب به شدت محکوم می‌کنیم و به این نتیجه می‌رسیم که ما باید اشتباهات سابق را جبران کنیم" و برخلاف گذشته زمام امور مملکت را به دولتی بسپاریم که قاطع و انقلابی باشد و این اشخاص که انقلابی نیستند باید در راس وزارتخانه‌ها نباشند.

اما نقش و جایگاه مجلس را در سیستم اداره کشور توضیح داده و می‌گوید: "با رسمیت مجلس دیگری بیدار ما امور را مجلس اصلاح کند که راهی را که دولت می‌گذرد همینطور کارهایی که در وزارتخانه‌ها می‌شود، کارهایی که در استانها می‌شود همه تحت نظر باشد و مجلس با زخواست کند از اینها و بخواهد اینها را استیضاح کند".

این دو موضوع خواهند رسید: تشبیه تقویت واحیای سرمایه‌داری (در صنعت، کشاورزی و بازرگانی) و عواقب ناشی از آن در زمینه سیاست داخلی و خارجی - ویا، محدود کردن، لگام زدن و محدودترایی سرمایه‌داری به منزله یک نظام اجتماعی.

تصمیمات مجلس، مجلسی که از شایسته انقلاب بزرگ مردمی ماست، مجلسی که اکثریت نمایندگان آن نه سرمایه‌دارند و نه ملاک و نه مدافع منافع آنان، می‌تواند در جهت محدود کردن سرمایه‌داری باشد و اگر آنها را جهت اهداف انقلاب عمل کنند و به نفع مردم جامعه ما و مردم ما پاسخ گویند باید در این جهت باشد.

اما پیاده کردن این تصمیمات تنها در صورتی ممکن است که دستگاه اجرایی و مجلس با یکدیگر هماهنگی داشته باشند. انتصاب وزیران کاربر، قاطع و انقلابی که آنها نیز اهداف و نیای انقلاب را درک کرده باشند بخش مهمی از ایجاد یک قوه مجریه خدمتگزار به مردم است. اما مهمترین آن با سرمایه‌داری، دستگاه دولتی با ایجاد یک تحول بنیادی، یک انقلاب زرف در سرتاپای آن است. اگر دستگاه دولتی در آینده نیز همانند دستگاه کنونی باشد می‌تواند تصمیمات مجلس را هر چند مثبت و انقلابی و راهگشا باشد، روی کاغذ نگاه دارد و در پیچ و خم ادارات آن را متوقف کند، می‌تواند تصمیماتی را که به نفع مردم گرفته می‌شود بی اثر سازد و سالیها آن را به عمامه بگذراند. دستگاه دولتی با ساختار آن، سیاست آن، اسلوب کار آن و اعضای آن انقلابی، قاطع و خدمتگزار مردم نباشد، می‌تواند راه را برای حکومت سادها و دیکتاتوری سرمایه‌داری و وابستگی به سیاست سرمایه‌داری جهانی هموار کند.

تاریخ کشورهای که در آنها پس از جنگ دوم جهانی انقلاب رخ داده است گواهی می‌دهد که قشر بوروکراتیک اکترا راست‌گرا، سرمایه داران کلان زمینداران با استفاده از کارکنان دولتی به آنها نقش مهمی را در پیوستن به انقلاب واگذار کرده و توانسته اند دست و پاگیرالیسی آن را به سمت وابستگی تبدیل کنند.

تمام رویارویی که، پس از انقلاب، بین پیروان نظام و ولیدارهای گام به گام و ادامه دهندگان سیاست آن در دولت کنونی وجود داشت، در حول همین محور دور می‌زد و دور می‌زد که انقلاب ایران باید چه سمتی به خود بگیرد: سمت رشد سرمایه‌داری غیر سرمایه‌داری.

در مجلس نیز تا گزیر این دو سمت روبروی یکدیگر قرار خواهند گرفت.

دلیل وضع کنونی که در پیوسته با حشد فریب‌داری ما را از طریق فکنا ساخته است که مسئولان دولتی هرگز با تدبیر یا تصمیم قاطع نخواهند بود و در عمل خواهی با تحریف محتویات و توسل به ظاهرها، از جاده اصلی منحرف ساخته اند. برای نمونه می‌توان از تاخیرها و کارکنی‌های عیده‌ای که در امر مهمات و اراضی صورت گرفته می‌گیرد، از تعلل و تاخیر در ملی کردن بازرگانی خارجی، از تحریف ریشه‌ای سیاست خارجی کشور که به کلی مغایر با قانون اساسی است، از سیاست کارکنی در همکاری با کشورهای غیر امپریالیستی به منظور مقابله با تحریم اقتصادی امپریالیسم و احیای صنایع کشور و غیره نام برد.

دستگاه دولتی در دوران طغوث‌طورری ساخته شده بود که فقط می‌توانست به سرمایه‌داران وابسته و سیاست‌های همکاری اقتصادی با غرب خدمت کند. تصور این که بتوان از این دستگاه را همان‌طور که هست با همان ساختار و طرز عمل طرز برداشت به خدمت انقلاب مردمی ایران گماشت تصور باطل و زیان‌بخش است. وظیفه طبقاتی خدمت به مستکبرین، فساد، لختی و مسامحه در کار، از خصلت این دستگاه همی‌خیزد. باید این خصلت را از بنیاد دگرگون ساخت، تغییرات هر دردی را دوا نمی‌کند. تغییرات موزارت اطلاعات تا هنرا هم به وزارت ارشاد ملی جمهوری اسلامی در اهت آن تأثیری ندارد. اگر اسم اتومبیل را هواپیما بگذاریم با این عمل قادر به پرواز نخواهد بود. دستگاه دولتی شانه‌های نمی‌تواند وظایفی را که انقلاب خلقی و فدا می‌ریاستی در برابر قوه مجریه قرار می‌دهد به انجام برساند. باید آن دستگاه از بنیاد برود. اگر وضع چه در ادارت کشوری و چه لشکری به صورت سابق باقی‌ماند به قبول اما باید "عزای اصل جمهوری را بگیریم، عزای ما هم این سایل را بگیریم".

باید دستگاهی نو، شایسته انقلاب درخور وظایف طبقاتی و اجتماعی که انقلاب ایجاد کرد، مسئله تنها به کارمندان منحصراً نمی‌ولی می‌بینیم که بخشی از کارمندان دولت چه لشکری و چه کشوری، به بقای جمهوری اسلامی ایران عقیده ندارند، مسامحه می‌کنند، کج‌دار و مریز می‌کنند که اگر بخشها را مد "دستجات" خودشان را به دولت "سویال دموکرات آمریکا" بی‌ارائه دهند و ثابت کنند که "مبارزه کرده اند، سرفروند و نیاورده اند و در راه منافع ملی" ایران جانفشانی کرده و شاعران داده اند که

جمل و دروغ درباره ...

از آن رژیم تعجبی هم نبود. برعکس بدیهی بود که دستگاه وابسته به رژیم فاسد و فاسد آن‌طور عمل نکند. مردم هم بالطبع به آن اعتمادی نداشتند و به هیچ‌یک از ادعاها و تهمت‌های هم‌کسی باور نمی‌کردند و واقع طی زمان و به تجربه مردم دریافتند که قدر آن دستگاه دروغ می‌گوید و در عمل از آن سلب اعتماد کامل کردند.

اما حالا دیگر دوران طاغوت نیست. رژیم فاسد و وابسته سرنگون شده است. و هرکس شیوه‌های ناایست دروغ و جعل را بخیر با اصول انقلاب و مابین با اصول اخلاق است به کار برد نابت می‌کند که با انقلاب و با اخلاق بیگانه است و همچنان "طاغوتی" فکر و عمل می‌کند.

نویسندگان سطوری که ذکر کردیم یا بر سر موازینی می‌گذارند که در صفحات همان روزنامه‌ها بارها از آن دفاع شده است. کجا این آن نویسندگان مطالب مربوط به انقلاب فرهنگی و به اخلاق اسلامی که خوانند همکاران آن‌ها چگونه حق و عدالت و منافع انقلاب را که سهل است، شرافت انسانی را هم در نقل وقایع به هیچ گرفته اند و در نابینایی سیاسی خود کار را به فحش و توهم تیزبان شاهنشاهی که سهل است به جعل و دروغ انجمنان که شایسته همان عهد "آریامهری" بود کشانده اند.

بسیار شگفت‌انگیز است که تنظیم کنندگان خبر در روزنامه‌های اسلامی همان طور رفتار کرده و به همان گونه به جعل خبر و دروغ‌گویی و نسبت‌های سرتاپی غیر واقع است زده اند که در زمان شاه مخلوع رستاخیزان و ایران نویسنده‌ها و همکاران ایشان می‌کردند.

جریان واقع را همه می‌دانند: گروهی تحریک شده در بین آنها عده ای ناآگاه و لیا کرا "اوپاش و ساواکی" و ضد انقلابی‌های سرشناس رنجبری که در واقع "رنجرهای" ایران نی‌مای آمریکا هستند و "مبارزان افغانی" از همان‌ها که دفاتر آمریکا‌یی‌شان به حکم فرمانده سپاه پاسداران مشهد در خراسان بسته شده، به دبیرخانه یک حزب علنی و قانونی با فعالیت در دردمرد در جهت انقلاب، مدافع صادق و موثر انقلاب و جمهوری اسلامی ایران یورش بردند. آنها با نقض آشکار توصیه‌های اما خمینی و با لگدمال کردن فاحش قانون اساسی و برخلاف نظر مقامات مسئولی که مسئولیت و تعهدی نسبت به انقلاب و نسبت به شرفوت کشور خود حس می‌کنند، دبیرخانه حزب ما را تخریب و اشغال کردند و دزدانه بسیاری چیزها را با خود بردند.

حزب توده ایران در ملا عام در برابر دیدگان همه کس مرکز فعالیت خود را در این دبیرخانه قرار داده بود. صدها و صدها نفر هر روز به آنجا می‌آمدند. هزارها مقاله در این جا نوشته شده که در صفحات ارگان مرکزی حزب نشریه و تلوویزیون آن ثبت است. دهه جلسه پرسش و پاسخ توسط دبیران اول کمیته مرکزی حزب در همینجا ترتیب داده شده که هر کس میل داشت می‌توانست در شرکت می‌جست. دهه‌ها خبرنگار داخلی و خارجی در همینجا با خبرنگاران حزب ما به مباحثه نشستند و دهه‌ها شخصیت‌های پیرامون مسائل مختلف در آنجا به مذاکره و تبادل نظر پرداخته اند.

این جا محل فعالیت سیاسی جدی در جهت اهداف انقلاب و به خاطر دفاع از جمهوری اسلامی ایران بود، دست اندرکاران می‌دانند که این جا چه محل مطمئن و موثری در افشای توطئه‌های شوم کودتایی و براندازی علیه جمهوری بوده است.

و حالا این جارا لانه جاسوسی می‌نامند، همان‌گونه که شاه پسرستان می‌گفتند. وان‌جا را محل نگه‌داری دویمب و ناموشخصات افغای دولت (برای هر کاری؟) معرفی می‌کنند. همان‌گونه که شاه پسرستان می‌گفتند. مدعی می‌شوند که مسکو "تماس" می‌گیرد (با دفتر حزب!) و کیا نوری تهدید به مرگ می‌کند، همان‌طور که شاه پسرستان ادعا می‌کردند.

دروغ و جعل تنها حربه تبلیغاتی‌کسانی شده است که به دفاع از شمشیر صراغ غیرمسئول و تشنج آفرین برخاستند و اخلاق اسلامی و

"پراودا": واشینگتن تلاش می‌ورزد تا رژیم سابق را در ایران مستقر کند.

روزنامه "پراودا"، ارگان کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی، توطئه اخیر کودتا را در ایران نشانگر ادامه دخالت آمریکا در امور داخلی ایران می‌شمارد و می‌نویسد: "پشتاگون و عمال سیا" در دوران زمامداری شاه در واقع گرداننده چرخ همه امور ایران بودند و سیاست و راهتعیین می‌کردند. اقدامات خصومت‌آمیز جدید گواهی می‌دهد، که واشینگتن همچنان تلاش می‌ورزد تا رژیم پیشین را به این کشور بازگرداند."

تظاهرات دانش‌آموزان در آفریقای جنوبی ادامه دارد

پلیس ددمش آفریقای جنوبی پریسور تظاهرات دانش‌آموزان آن کشور را در شهر "کینگزویل" با دست‌یازی به خونسخت پراکنده ساخت. در حدود ۱۶۰ تن از دانش‌آموزان مجروح گشتند. اکنون بیش از سه ماه است که دانش‌آموزان سیاه‌پوست آفریقای جنوبی برای تأمین برابری حقوق خود بسا سفیدپوستان نزادپرست به اعتصاب و تظاهرات مشغولند. تنها در ماه گذشته بیش از ۴۰ تن از تظاهرات‌کنندگان به دست پلیس آفریقای جنوبی به قتل رسیده‌اند.

ابتدا بی‌ترین موازین هرگونه اخلاق بشری و شرافت انسانی را زیر پا نهادند. چه‌خو‌هند گفت آن هزارها و هزارها نفری که از زمر حزب ما دیدن کرده‌اند و می‌دانند در آن چه بوده است، چه خواهند گفت؟ آن صدها نفری که در مقابل خانه ۸۸۸ خیابان ۱۶ آذر حاضر بوده‌اند و دیدند که ما همین چه می‌کردیم و طرفداران حزب چگونه با شعار "به گفته خمینی آمریکا دشمن اصلی ما است، تفرقه، جدا یی، سلاح آمریکا بی" ما موران انتظارات بسا خونریزی خود ما مانع هرگونه درگیری می‌شدند و نمی‌خواستند بگذارند که کار تحریک شده‌ها به تخریب بسا نجامد. چه‌خو‌هند گفت آن صدها هزار نفری که با سیاست و عمل ما، بسا روش و نظریات و پیشینه‌های حزب ما - علی-رغم همه مشکلات و همه تبعیض‌ها به بی‌زهره راد دیو و تلوویزیون - به نحوی آشنا شده‌اند و می‌دانند که داستان جاسوس و خائن تکرا ر همان سبک آریامهری است و شمره‌ای از جمله بی - اعتباری نزد مردم و عدم اطمینان مطلق بهار نخواهند آورد و بسا لایحه‌ها خواهند گفت آن عده‌ها هدا نکشت شما ولی مسئول و موثر در ارگان‌های رهبری انقلاب و اداره کشور که خود به خوبی می‌دانند چه نقش حزب ما در تحکیم جمهوری، در دفاع از انقلاب، در مقابله با توطئه‌ها و نقشه‌های امپریالیسم آمریکا داشته و دارد. همه این‌ها بسا این قلم به دست نمی‌کشد که بدان‌گونه سرشار از دروغ و تهمت و جعل و تحریف خبر در باره عمل شنگین حمله و اشغال دبیرخانه حزب توده ایران می‌نویسند. چه‌خو‌هند گفت... همه‌ها که شما می‌گویید، بخصوص که عمل ما همین در جهت منافع فدا انقلاب و نقشه‌های براندازی امپریالیسم آمریکا است و این اصل مطلب.

درباره انقلاب، خلق و رهبران انقلاب مسئولیت خطیری بعهده دارند. نمایندگان مجلس نباید وظیفه خود را به وضع قانون محدود کنند بلکه باید چنانکه امام دستور داده اند برای اجرای قوانین نیز نظارت کنند، دست بردارند، استیضاح کنند و نگذارند مسامحه جبری از تصمیم انقلابی مجلس را به کاغذهای رای می‌ارزش تبدیل کنند. با کار انقلابی درست با فعالیت مثبت و موثر می‌توان مجلس شورای ملی اسلامی را به قبله میدتوده‌های زحمتکش میهن تبدیل کرد. مردم امیدوارند که این مجلس بتواند بسا تصمیمات انقلابی خود را سرمایه‌داری و زمینسازاری بزرگ را که علت العلل تمام نابسامانیهای گذشته از طریق اتخاذ تصمیمات قاطع و انقلابی بسود زحمتکش و مستضعفان در مجلس و واگذاری اجزای این تصمیمات به دولتی انقلابی کار و قاطع که یک دستگاه دولتی و قاطع در اختیار داشته باشد.

عطا تل در هر یک از این نهادها چرخ انقلاب را از حرکت باز خواهد داشت. اینک که ما با درک خطری که انقلاب ما را تهدید می‌کند مجلس شورای اسلامی را مرکز انقلاب اداره کشور قرار داده است، نمایندگان مجلس

گرانی روزافزون هزینه زندگی بر دوش زحمتکشان سنگینی می‌کند. زحمتکشان را باید با تصمیمات فوری و قاطع انقلابی از زیر این بار نجات داد

تشکل کارگران در انجمن‌های صنفی (سندیکی) ضرورت انقلاب ایران است

وضع کارگران معادن «اوریه» دردآور است

مسائل کارگری

سابق است) بالا برده ایم ولی متأسفانه چون وسایل کار در اختیار ما نیست، نمی‌توانیم تولید خود را بدان نسبت که در شان انقلاب باشد بالا ببریم. در صورت بودن وسایل کافی، هر دستگاه می‌تواند بطور متوسط روزانه ده تن تولید کند ولی در حال حاضر فقط چهار تا پنج تن تولید می‌شود.

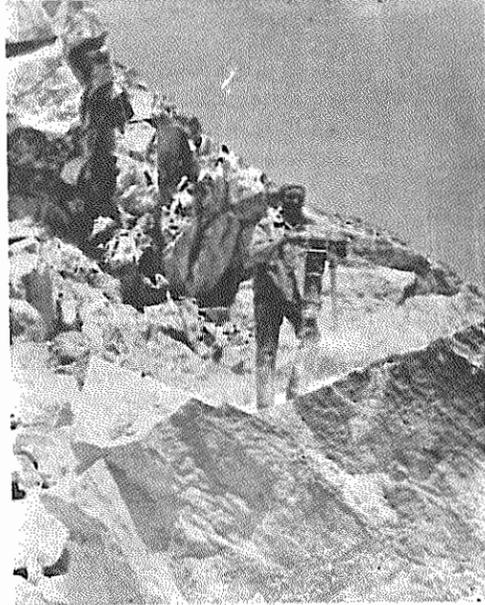
در این معدن وضع ناسامانی حکم فرماست. کارگران از مسئولین امر می‌پرسند: چرا در حالیکه هر نوع کم‌کاری و یا اعتصاب عملی خلاف جهت انقلاب است، در اثر ضعف مدیریت و سهل‌انگاری مسئولین، معدن سنگ قروه در خطر جدی تعطیلی قرار دارد؟ چرا در لحظاتی که انقلاب ایران مراحل حساسی را سپری میکند و نیاز به تقویت و گسترش تولیدات صنعتی و کشاورزی بیش از پیش ضرورت می‌یابد، معدن سنگ شهربان قروه در اثر کمبود ریاضت و وجود وسایل تولید لازم در معرض خطر تعطیلی قرار دارد؟

در بیشتر معادن سنگ قروه بعلمت نقص وسایل کار و از کار افتادن آنها تولید به سطح پائینی نزول کرده است. به همین علت در تاریخ ۲۴ بهمن ۹۰ حدود هشتاد تن از کارگران مهاجر زنجانی معادن سنگ «اوریه» و «ویجه» (معدن اول، دوم و سوم) دست از کار کشیدند.

کارگران در این رابطه اظهار داشتند: «با وجود آنکه چندین بار با مقامات مسئول جبهاد که مدیریت معادن را برعهده دارند در این مورد صحبت کرده‌ایم، متأسفانه به‌خواست «برحق» ما توجهی جدی نشده است و هم‌اکنون معادن یادشده در معرض تعطیلی قرار دارند.» کارگران اضافه کردند که:

«ما از مطبوعات می‌خواهیم قبل از اینکه رادیو عراق، رادیو بختیار و رادیو آمریکا واردوی ضدانقلاب سوء استفاده کنند، خواستهای حیاتی ما را به گوش مسئولین مملکتی برسانند. ما به مسئولین قول می‌دهیم که با تامین وسایل تولید لازم مقدار تولید سنگ هم‌اکنون را چندین برابر افزایش خواهیم داد.»

آری اینها زبان گویا و دردهای چندین از کارگران معادن است. انقلاب می‌تواند با بهبود بخشیدن به وضع زندگی و دستمزد کارگران و نیز تهیه وسایل کار و ایمنی کافی و با برنامه ریزی دقیق و منظم، این معادن را گسترش دهد و تعدادی از یکبارگان کشور را نیز بکار بکشد و یک تحول و دگرگونی بنیادی که لازمه سلاست و رشد نظام اقتصاد بیمار کشور است، ایجاد کند.



محمد ریشانی میگوید: «وضع ما دردآور است، ما خواستار رسیدگی به وضع درمان و بیمه و تشکیل شورا و سندیکا هستیم.»
«درچه ریشانی» استادکار معدن میگوید: «در توجیه بیمه‌های اجتماعی دردی از ما یادآور نکرده و نمی‌کند. بعلمت کمبود ابزار کار از قبیل: بولدوزر، موتور باد و غیره، گاهی اتفاق می‌افتد که کز تاشی روز می‌خواهد.»
«با توجه به گرانی مایحتاج زندگی، وضع زندگی و دستمزد کارگران بسیار ناخوشایند است، ما از انقلاب انتظار داریم، ما ضدانقلاب نیستیم، بلکه همیشه در مسیر انقلاب بودیم. حتی یک روز هم کار را ترک نکرده‌ایم. حتی تولید را نسبت به زمان ارباب (منظور ارباب قیر صاحب قبلی معادن و یکی از سرپرستان رژیم)

یکسال رویم از انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی ایران می‌گذرد. انقلاب شکوهمند ایران با خون دهها هزار تن از شریفترین مردم این آب و خاک آبیاری شده و هنوز هم در مسیر بر تامل خود برای گسترش و تعمیق بیشتر نیاز به فداکاری و پشتکار نیروهای راستین انقلاب، بخصوص طبقه کارگر ایران، نیروی رزمنده و ستون فقرات انقلاب دارد.

انقلاب ما، که انقلابی است خلقی، می‌تواند و نباید حافظ «مجموعین جامعه از جمله کارگران شریف و زحمتکش جامعه باشد، انقلاب می‌تواند و باید به‌خواستهای بحق کارگران مبنی بر تامین شغل، تامین مسکن مناسب، تعیین دستمزد عادلانه، شرکت در تدوین قانون جدید کار، شرکت در اداره موسسه تولیدی و غیره توجه جدی داشته باشد.

در رابطه با مسائل کارگری در زیر شرح مختصری از وضع یکی از معادن سنگ «اوریه» واقع در شهرستان «قروه» (کردستان) آورده میشود:

معدن سنگ «اوریه» چندی پیش توسط جبهاد سازندگی مصادره شد. تعداد کارگران این معدن حدود هفتاد تن هستند و کارشان کتراتی است. قبل از مصادره شدن معدن، کارگران بابت هر تن سنگ استخراجی میسرود پنجاه ریال دریافت می‌داشتند، ولی اکنون این مبلغ به پانصد ریال افزایش یافته است که پنجاه ریال آن در آزای بیمه کسر میشود.

وضع بهداشت معادن خوب نیست و کارگران از وضع بد بیمه و درمان خود سخت گله دارند.

وسایل ایمنی که یکی از مهمترین و حیاتیترین تجهیزات لازم است، در معدن خیلی کم است.

تابحال چندتن از کارگران در اثر نبودن وسایل ایمنی جان خود را از دست داده‌اند.
آخرین قربانی معدن کارگری بود بنام «مسلمان عسگری» که اهل زنجان بود و در تاریخ ۲۴ بهمن ۹۰ جان خود را از دست داد.

برای آشنائی بیشتر با وضع کارگران با چندتن از آنها به گفتگو نشستیم:
«بنجملی برزویی» از وضع بیمه و درمان گله دارد و میگوید: «از مقامات مسئول میخواهیم هر چه زودتر در توجیه بیمه درمانی برای ما صادر کنند و وسایل ایمنی از قبیل کفش، لباس، کلاه و ماسک برای معادن فراهم آورند.»

واقعیت‌ها سخن می‌گویند! جلوی توطئه‌های کارفرمای کارخانه سیمکات تبریز را بگیرند

کارخانه سیمکات (سیم کات) تبریز تولید کننده سیم و کابل با ۲۵ کارگر در ۱۶ کیلومتری تبریز قرار دارد و در حال حاضر سیم تولید می‌کند.

این کارخانه که حدود ۸ ماه از شروع کار آن می‌گذرد، تاکنون شاهد انواع توطئه‌های کارفرما جهت به تعطیل کشاندن شدن آن بوده است. ولی کارگران با هشیاری کامل پنا به دستور امام حتی روزانه بن ۱۲ ساعت کار دادند تا بلکه از تعطیل کارخانه جلوگیری کنند.

آنها در این کار نیز ناامیدانه زبانی موفق بوده‌اند ولی باز کارفرما بیگان نشسته به انحصار مختلف به اذیت و آزار کارگران می‌پردازد و سعی در به اعتصاب کشاندن کارگران دارد.

برای این منظور کارفرما حتی اقدام به استخدام چند قلندر و چاقم‌نار نیز کرده است تا هر وقت صدای کسی در پیاده بدون سروصدا اخراجش کند.

در این رابطه چند روز پیش اقدام به اخراج یک کارگر کرد که این عمل یا اعتراض کارگران بود و گشت.

گفتنی است که کارگران این کارخانه از کوچکترین امکان رفاهی و سان غذا خوری و غیره محروم از آب و لباس کار گرفته تا سرویس هستند.

اعلامیه شورای متحد پالایشگاه تهران

اخیرا اعلامیه‌ای در رابطه با پاکسازی ادارات از طرف «شورای متحد پالایشگاه تهران» بدست ما رسیده است که مستهلکی از آنرا در زیر درج می‌کنیم:

«ادارات ما همان ادارات شاهنشاهی هستند.» «امام خمینی» «امام است این بار نیز با درایت و سراجت انقلابی، و انبیتی تلخ را که وزارتخانه‌های ما همان وزارتخانه‌های شاهنشاهی هستند، اعلام فرمودند...» «توانی که با نام محتوی ضد مردمی، در راستای حفظ منافع امپریالیسم جهانی در زمان طاغوت تدوین شده و روابطی که برای پیشبرد این قوانین اتخاذ شده بودند، همچنان دست نخورده پاتی مانده‌اند»
در این اعلامیه همچنین آمده است که:

«آن چه مسلم است محافل وابسته به رژیم قبل، مزدوران ساواک و هواداران بختیار از روش و تعمیق چنین پاکسازی ها بجزد افتاده و سعی در به انحراف کشاندن چنین رسالت تاریخی خواهند نمود که میبایست با هوشیاری انقلابی عمل نمود...»

قوانین کار را در کارگاه فرهود پیاده کنید!

کارگاه فرهود که در خیابان استخر تهران قرار دارد، سردخانه تولید میکند. در این کارگاه هشت نفر کارگر کار می‌کنند.

«حقوق کارگران روزی ۵۶۷ ریال است، به عبارت دیگر حتی از حداقل مزد تعیین شده از جانب وزارت کار هم پائین تر است. کارگران از همه چگونگی منافعشان چون حق مسکن، حق خواربار، حق اولاد و غیره برخوردار نیستند. یکی از کارگران می‌گفت: «در حالیکه شش سال سابقه کار دارم، هنوز حقوقم ۵۶۷ ریال است، و با این کزانی سرسام آورده‌ام نمی‌رسد.»

کارگران خواستار آنند که قوانین وزارت کار در این کارگاه پیاده اجرا کرده شود.

اخبار کارگری

کارگاههای کوچک صنعتی را از خطر تعطیل شدن نجات دهید!

در شهرستان بندر انزلی و حومه جمعاً ۵۴ کارگاه درپ و پنجره سازی (آهن و آلومینیوم) وجود دارد. بیشتر این کارگاهها دارای ۳ تا ۴ کارگر و در برخی کارگاههای دیگر که قدرت مالی کتری دارند، یک کارآموز، یا فرزند صاحب کارگاه مشغول به کار است.

اخیرا با کمبود آهن و آلومینیوم این کارگاهها با خطر تعطیل شدن روبرو هستند.

مشکلات عمده این کارگاهها شرح زیر است:
۱- کمبود آهن و آلومینیوم در کشور، که این کمبود باعث شده است، صاحبان کارگاهها، جهت تامین آهن، به شهرهای مجاور بروند. این عمل نیز باعث افزایش کارگاههای همان شهر روبرو است.
۲- این صنف دارای اتحادیه‌ای است که بعد از پیروزی انقلاب بوجود آمده، و با وجود آنکه هیئت مدیره آن با حضور نماینده فرمانداری، شهرداری برگزیده شدند، ولی هنوز مسئولان اسرار به ثبت رساندن این اتحادیه طفره می‌روند.

خواست عمده این صنف، اینست که دولت با پذیرش گرفتن کارخانه‌های تولیدی آهن و آلومینیوم و نظارت بر توزیع آن دست واسطه‌ها را کوتاه کند.

شرایط نامساعد کار در کارخانه ریسندهی و بافندگی آذربایجان- قزوین

کارخانه ریسندهی و بافندگی آذربایجان، در شهرستان قزوین، انتهای خیابان فردوسی واقع است. تولید نهایی این کارخانه پارچه و پتو است و حدود ۶۰۰ نفر کارگر در آن کار می‌کنند. بعد از پیروزی انقلاب صاحب کارخانه فرار کرده و کارخانه هم‌اکنون بصورت شورائی اداره می‌شود. ولی هنوز معلوم نیست که این کارخانه ملی شده است یا نه.

شرایط نامساعد کار در این کارخانه بوضوح دیده میشود: بعلمت نبودن دستگاههای مکند مناسب که پرز های کارخانه را بیرون ببرد، هوای محیط کار سالم و بهداشتی نیست و این امر موجب خستگی و بیماری کارگران می‌گردد.

از طرفی تعدادی از کارگران بعد از ۵ ماه سابقه کار هنوز در توجیه بیمه مخدانه، در صورتی که حق بیمه از مردمان کم میشود. مراجع به مسئولین، هم دردی را حوا کرده است. همچنین بیشتر کارگران تازه کار، از طرف سرپرست، مجبور می‌شوند، در شیفت شب کار کنند و حق شیفت هم دریافت نکنند.

این مشکلات گوشه‌های از شرایط نامساعد کار در کارخانه ریسندهی و بافندگی آذربایجان- قزوین است که همچنان که ما بارها هشدار داده‌ایم میتواند مورد سوء استفاده ضدانقلاب قرار گیرد. برعهده مقامات مسئول است که هر چه زودتر شرایط مساعد کار را در کارخانه مذکور برقرار کنند!

نامه سرگشاده کارکنان مشاغل کارگاهی راه آهن

اخیرا نامه سرگشاده‌ای «از طرف کارکنان مشاغل کارگاهی» راه آهن، برای درج در «نامه مردم» ارسال شده است.

مطابق این نامه، در اواخر سال ۱۳۵۸ قرارداد به افرادی که به مشاغل زیر اشتغال دارند یک گروه داده شد که عبارت بودند از: تقاض، نجاره، بنه، لوله‌کشی، شیشه‌بر، باغبان، آذین، تکنیان، سرایدار، خدمتگزار، تفلانکار، ناسم‌ریزان و رختشویی و امثال آنها.

متأسفانه همه‌ای چون معاون اداری راه آهن، رئیس کارگزینی و معاونین او که سابقه غداوت با راه آهن، ما را دارند باین جهت که پول «بیت‌المال» بین‌برود» با این کار مخالفت کردند.

از طرف دیگر همین آقایان روسای قطار سازی را از گروه هشت به‌گروه ارتقاء داده‌اند. چرا ۱۰۰۰ پول ارتقاء گروه رئیس قطار سازی از بیت‌المال نیست و فقط پول ارتقاء گروه ما که در گروههای پائین (حد اکثر سه و چهار) هستیم از بیت‌المال است؟

خواستار ما به روسای قطار باج بدهند تا بلکه آتوبتر بتوانند جلو ارتقاء ما را بگیرند؟

اینست معنی طرفداری از مستضعفین! اینست معنی عدل اسلامی؟ در خاله اضافه شده است که:

«ما از اولیاء امور می‌خواهیم که در این مورد رسیدگی دقیق کنند و تکلارند حق ما باقیال شود.»
روز شنبه ۱۴ اردیبهشت ۹۰ در وی توسط روستائیان «اکبر پناهی» با تندرستی و به بیمارستان دکتر فاطمی شرکت مسلمان - دشت اردبیل، در اثر چپ شدن گوشه بزرگان به نتیجه‌ای رسید و در روستای مشرف به بروج مجروح گردید. «اکبر پناهی» با تندرستی و به بیمارستان دکتر فاطمی شرکت مسلمان - دشت اردبیل، در اثر چپ شدن گوشه بزرگان به نتیجه‌ای رسید و در روستای مشرف به بروج مجروح گردید.

حمایت از تولید کنندگان خرده‌ها در شهر و ده مورد تأیید کارگران است. مستحکم باد اتحاد طبقه کارگر و زحمتکشان شهر و روستا

عوامل کارشکن را از کارخانه اخراج کنید!

شرکت زغال سنگ کرمان، یکی از شرکتهای وابسته به شرکت ملی ذوب آهن است، کسه طبق قرارداد، با همکاری کارشناسان انجمن شوروی، در ایران تاسیس گردید.

شرکت مذکور، بعد از پیروزی انقلاب، هنگامی که بیشتر کارخانه‌ها از کار افتاده بودند، به کار خود ادامه داد، و حتی تولید آن روزه ازدیاد رفت. علت این امر را «تولید بی‌مصرف» می‌نامند، در عهد وابستگی کارخانه به کشورهای امپریالیستی بدانیم، زیرا آنچه را که برای ادامه کار این صنعت لازم است تماماً به وسیله مهندسان، تکنیسینها و کارگران ایرانی تهیه می‌شود.

اخیرا برای خرید آهن و کارشنه‌های ضدانقلاب، در این کارخانه تولید به سطح ناآزلی رسیده است. و بیم آن می‌رود که در صورت ادامه این وضعیت، و نرسیدن به موقع زغال سنگ جهت تغذیه کوره‌های ذوب آهن، این صنعت هتیم تعطیل گردد.

بیشک ضرورتی ندارد تا خساراتی که می‌تواند از این جامعه برآید، بیان کنیم مسا از مقامات مسئول ملیتم که «هر چه پیشتر، عوامل مزدور کارشکن را، در شرکت زغال سنگ شناسائی و طرد کنند، تا این کارخانه به روال سابق خود که همواره در جهت ازدیاد تولید بوده است ادامه دهد.

در کارگاه موزائیک شاهرخ آباد فقط کار است و دیگر هیچ

کارگاه موزائیک سازی، شاهرخ آباد ارومیه دوازده نفر کارگر دارد. کارگاه شامل دو ماشین پرس و یک ماشین سافکار است که سه استادکار و سه کارگر روی آن کار میکنند. ظرفیت تولید کارگاه روزانه یکصد و پنجاه موزائیک است. کارگران از ساعت هفت صبح تا چهار بعد از ظهر کار می‌کنند. دستمزد آنها از هفتاد تومان تا ۹۰ تومان است.

در ارتباط با مزایا و مشکلات، کار یکی از کارکنان کارگاه می‌گفت: «محررها همان است که بود، هیچ تغییری نکرده است.» او اضافه میکند: «دوازده سال است که بیمه هستم، ولی هیچ استفاده‌ای از آن نکرده‌ام.»

درباره کسبکهای اولیه می‌پرسیم، می‌گوید: «در اینجا اصلا از کسبکهای اولیه و از لباس و بیمه و غیره خبری نیست.»

یکی از کارگران میگوید: «گرا به‌ترین هستم. با این درآمد ناچیز، هم هزینه زندگی را با این تورم و گرانی باید تحمل کنم و هم پول اجاره خانه بدهم.» کارگر دیگری در مورد مشکلات خود می‌گوید: «ماهی ۵۰۰ (چهارصد تومان) اجاره خانه میدهم، با این دستمزد کم، زندگی برای خیلی مشکل است.»

راجع به حق مسکن، بیمه و کسبکهای اولیه و حق اولاد پرسیدیم، یکی از استادکارها که تجربه زیادی در کارش دارد گفت: «در اینجا از این چیزهایی که آگفتید هیچ خبری نیست. هر وقت هم که سیمان نیاشد بیکار میشویم.»

درباره تهیه سیمان پرسیدیم، یکی از کارگران گفت: «سیمان را از طرف اداره بازرگانی به ما میدهند، ولی این کار مرتب صورت نمی‌گیرد. در این مورد وزارت بازرگانی مقصر است.»

درباره شورا و سندیکا پرسیدیم، یک سرکارگر گفت: «شورا نداریم و دلش این است که در آن بالاها کارفرماها می‌نشینند. و بهم می‌رند و می‌دوزند و از سندیکا نیز خبری نیست.» او در ادامه حرفهایش گفت: «دوازده سال است که بیمه هستم ولی در طی این مدت، کسی از بیمه بر ما تمهید نکرده است.»

از مسئولین وزارت کار می‌خواهیم که یکبار هم شده از این کارگاه دیدن کنند تا از نزدیک ببینند که این کارگاه چگونه با قوانین کار بیگانه است.

باز هم سانحه‌ای دلخراش موجب مرگ یک کارگر

همکاران او تسلیت می‌گویم. باید از مقامات مسئول پرسید، چه کسی مسئول حفظ جان کارگران است؟ چرا کارگران را در کاری که هر آن خطر مرگ با خود همراه دارد بیمه نمی‌کنند؟

تأمین کار برای کارگران بیکار، یک از نخستین وظایف دولت انقلاب است

به مناسبت شصتمین سال تأسیس حزب کمونیست ایران

پیام شادباش کمیته مرکزی حزب کمونیست چکسلواکی به کمیته مرکزی حزب توده ایران

کمیته مرکزی حزب کمونیست چکسلواکی شصتمین سالگرد پایه گذاری حزب کمونیست ایران را به شما و از طریق شما به همسایگان کمونیست های ایرانی، صمیمانه و رفیقانه شادباش میگوید.

حزب کمونیست ایران که در شرایط اوج گیری توفان و راجش انقلابی پیدایش یافته در تاریخ فعالیت خود مراحل بس دشوار و پیکار فداستعماری، فدفشودالی و فدا میربالیستی و به خاطر حقوق دمکراتیک و پیشرفت اجتماعی را پیمود و در این راه با حملات سهمگین ارتجاع روبروگشت. حزب کمونیست ایران، بدینسان، شکست ناپذیری و توانایی اندیشه های مارکسیسم - لنینیسم و آنترناسیونالیسم پرولتری را بار دیگر به ثبوت رسانید.

در ضمن فرصت را مفتنم می شمیریم و همبستگی رفیقانه و عمیق خود را با حزب توده ایران، ادامه دهنده وفادار فعالیت حزب کمونیست ایران، اعلام می داریم و پیروزی های بیشتر شما را در پیکار دشوار و قهرمانانه ستان خواستاریم.

کمیته مرکزی حزب کمونیست چکسلواکی

دانشجویان مسلمان بیروخط امام:

چگونه ملت هشیار و انقلابی اجازه دادند کسانی که به نفع آمریکا و در خدمت آمریکا بودند، بر سر حساس ترین پست های این مملکت باقی بمانند؟

دانشجویان مسلمان بیروخط امام، طی اطلاعیه مفصلی، به افشای ماهیت دولتمردان دولت موقت پرداختند و پیشنهاد های خود را برای برپاسازی دولتی انقلابی و مردمی مطرح کردند. ما در این شماره، نامه مردم، صادقانه در مورد پیشنهاد های انقلابی و درست دانشجویان مسلمان بیروخط امام در مورد دولتی که انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی کشور ما بدان نیاز دارد، سخن گفتیم و اکنون بخشی از اطلاعیه دانشجویان را در مورد ماهیت دولتمردان دولت موقت، به اطلاع خواننده میرسانیم.

در اطلاعیه از جمله آمده است: "نمیخواهیم از پرونده دولتمردان مانند آرتور و نمونه هائی چون حسن زویه، این حقوقدان خود فروخته و مراغهای جاسوس آمریکائی و امیرانظام "مامور سیا" و علی ایزدی، زمینخوار چاپلوس آمریکا را که هر کدام در پست وزارت و استانداری و یا مسئولیت دیگر منصوب بودند، برده برداریم. ما نمیخواهیم بگوئیم که آقای مدنی که هم اکنون در مقابل مجلس شورای اسلامی موضع گرفته و این عالیترین ارگان محترم کبری را فاقد صلاحیت میدانند، به کمک دستار خود

علوی، چه بر سر این مملکت آورده اند و نمیخواهیم بگوئیم چه کسی و چرا و با چه برنامه ای خود را طرز به ملاقات با برژنفسکی، این عامل شیطان بزرگ می بیند." "در زمانیکه امام، آمریکا را شیطان بزرگ و دشمن اصلی میدانند و در زمانی که در جنگ رویاروی با این آذمخوار بسر می بریم، می بینیم وزیر امور خارجه آنچنان موضعی در برابر شرق آنهم نه بخاطر شناخت مکتبی می گیرد، که پنداری ما با آمریکا هیچ خصومتی نداریم و اینهمه توطئه و جنایت از جانب این جهانخوار پلید صورت نمی گیرد." "این ننگ را ما چگونه تحمل کنیم که وزیر امور خارجه ایران در خارج از ایران، بگوید اصولاً ما را دلیلی بر مبارزه با عقاید سیاسی قاتلان هزاران شهید ایران یعنی شاه جنایتکار و بختیار مزدور بیگانه نیست. پس رسالت مبارزه با این چرنومه های فساد، باکست. و صدها مطلب دیگر که ما جدا طالب آنیم که همه اینها در یک دادگاه صالحه بررسی گردد و تصمیم مقتضی را اخذ نماید."

در جلسه علنی دیروز مجلس

شعب دهگانه مجلس انتخاب شدند. رسیدگی به اعتبارنامه دکتر حسن آیت آغاز شد.

جلسه علنی دیروز مجلس ساعت ۹/۳۰ آغاز شد. در این جلسه پس از تلاوت آیاتی از قرآن ابتدا نماینده بزرگ، رضا پاک نژاد و سپس سرور نماینده امضا و سپس از وی نماینده سزوار، حسین هراتی، سخن گفت. هراتی درباره مراحل انقلاب تا رسیدن به پیروزی کامل بحث کرد و گفت "بعد از رفتن شاه ما هک ها، طاغوتچه ها ما ندند و در همه ارگان حساس یعنی رادیو تلویزیون که چشم و گوش ملت است آموزش و پرورش و نیز در ارتش که بازوی مسلح مردم باید باشد به کار و فعالیت پرداختند. در آن لحظه ای که نیا ز به قاطعیت انقلابی داشتیم اعلام شد که هیچ کارمندی اخراج نمی شود."

نگاه نوبت به بیان گزارشهای کمیسیون تحقیق رسید. اولین اعتبارنامه ای که گزارش آن به مجلس داده شد اعتبارنامه آقای احمد غضنفریور بود. طبق این گزارش، اعتبارنامه وی در کمیسیون تحقیق رد شده بود. فواد کهنی بعنوان مخالف مطالبی را درباره سابقه فعالیت این فرد بیان کرد. آقای غضنفریور در دفاع از اعتبارنامه خود بطور مشروح درباره فعالیت سیاسی خود سخن گفت. اعتبارنامه احمد غضنفریور با ۹۲ رای موافق در مقابل ۶۴ مخالف و ۵۳ ممتنع به تصویب رسید. پس از آن آقای سیدفخرالدین رحیمی نماینده بخش ملاوی لرستان مراسم تحلیف بجای آورد و سپس مراسم قرعه کشی شعب بعمل آمد و نماینده کان دره شعبه تقسیم شدند.

آنگاه گزارش کمیسیون تحقیق درباره پرونده دکتر آیت قرائت شد. بر طبق این گزارش، اعتبارنامه وی در کمیسیون تحقیق به تصویب رسیده بود. احمد سلیمانیا مخالف این اعتبارنامه درباره علل مخالفت خود مطالبی را بیان کرد: وی از جمله گفت "... در نامه ای به رئیس مجلس خواسته بودم چند پرونده و منجمله پرونده که از نظر من خیلی حساس بود بررسی شوند. این پرونده یکی پرونده (به شماره کلاس ۵۱۲۱۵۶) حفاظتی آقای آیت در آموزش و پرورش بود دیگری پرونده فعالیت های حزب زحمتکش که در لانه جاسوسی وجود داشته است بخصوص که این حزب و جمعیت سیاسی در ۲۸ مرداد عمده ترین نقش را در شکست نهضت ایران بعهده داشت و بعد از آن نیز مدافع نظام کودتا بود. دکتر مظفریقایی رهبر این حزب از سوی امپریالیسم آمریکا ما موریت داشت تا با توطئه و ایجاد تفرقه و اختلاف جو را برای کودتا مساعد کند. آقای حسن آیت از فعالین و گردانندگان نسل جوان این حزب است. وی سپس به شرایط انتخاب شونگای برای مجلس اشاره کرد و گفت "حسن آیت به علت اشتها به فساد و نادرستی در جنبه سیاسی و اخلاقی صلاحیت نمایندگی مجلس شورا را ندارد." و گفت "در سال ۱۳۴۰ تا ۱۳۴۴ همه مسافرات دانشجویان اوج بسیار گرفته بود. در آن سالها و بخصوص سال ۱۳۴۰ و ۱۳۴۱ روزنامه اطلاعات به ارگان سازمان امنیت جهت لودا دن دانشجویان فعال بدل گشته بود. فعالیت روزنامه در این جهت موج خشم دانشجویان را برانگیخت تا آنجایی که آنان تصمیم به تحریم این روزنامه گرفتند. روزنامه اطلاعات برای مقابله تصمیم به انجام یک بازی سیاسی تحت عنوان "کری بخت آزاد" گرفت. این جلسات که بطور

نگاهی به فیلم "سرخ پوست" محصول آمریکا:

مبارزه محکوم به شکست است!!

فیلم سرخ پوست به کارگردانی ریچارد کامیتون از سری فیلم های مخدر هالیوودی است که هدف های انحصارهای سینمایی امپریالیسم را تعقیب می کند. جوانی سرخ پوست که تنها فرد باقی مانده از دهکده اش است، در کار انتقام کشیدن از زمین خواری است که زمین های دهکده را غصب کرده است و سرانجام جوان سرخ پوست به ضعیف ترین وضعی کشته می شود.

در ورای این مضمون به ظاهر انقلابی، فیلم از حد فیلم های چنایی - پالیسی فراتر نمی رود و از انگیزه های واقعی و شیوه های صحیح مبارزه سرخ پوست ها تهی است.

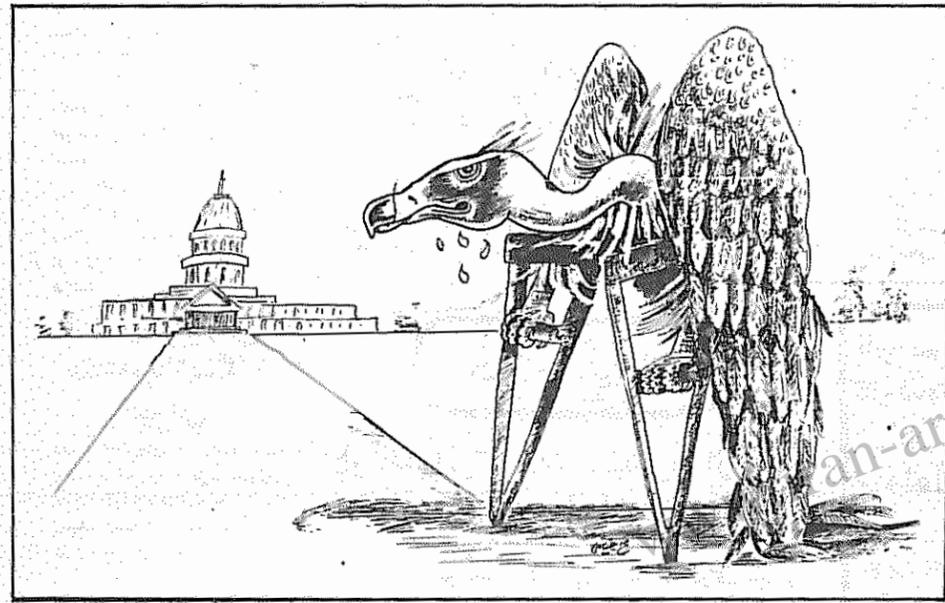
کارگردان نسخه ای دروغین برای سرخ پوست ها تجویز می کند. سرنوشت محکوم این شیوه را که همانا شکست در عمل است، تصویر می کند. سپس با کمک تلقین های تصویری تم های نفس گیر و ایجاد هیجان های مصنوعی، این نتیجه "منطقی" را القاء می کند که: "مبارزه سرخ پوست ها محکوم به شکست است." و از آن بالاتر: "مبارزه محکوم به شکست است."

در فیلم جوان سرخ پوست موجودی است، آدمکش، ماجراجو و خشن، که شیوه مبارزه اش ترور و اخاذی است. در مقابل، فیلم از سیمای یک آدمکش حرفه ای که برای کشتن سرخ پوست اجیر شده است یک قهرمان می سازد. فیلم سرخ پوست در کناره محتوای امپریالیسم پسندانه و مردم ستیزش، هرج و مرج، خشنونت و ماجراجویی های زیانبار را آشاع می دهد. حیرت انگیز است که سینماهای ما همچنان عرصه نمایش چنین آثار "فرهنگ آمریکا زده باقی مانده است.

کودتاجیان بولیوی از بیبوشه تقلید می کنند

کودتاجیان بولیوی به سرکوبگری می بیند. پرستان آن کشور ادامه می دهند. آن ها به تقلید از رژیم خون آشام شیلی، صدها تن از تظاهر کنندگان را در ورزشگاه لایباز بازداشت کرده اند و پیش از آغاز ساعات منع عبور و مرور مردم را با تیراندازی های ممتد خود، به ترک خیابان ها مجبور می سازند.

کورت والدهایم، دبیرکل سازمان ملل متحد، "نگرانی عمیق" خود را نسبت به اقدام های دسته جمعی مردم بولیوی ابرار



بعد از زدن شکست توطئه کودتای آمریکا

اگر هشیار باشیم، اگر متحد باشیم، اگر دشمن شادکن نباشیم، بدون تردید توطئه های دیگر امپریالیسم آمریکا، پهنه های سیاه "کاخ سفید" را در هم خواهد هم شکست.

اخبار مهمانی

عمل انقلابی سپاه پاسداران - فلاورجان، در دستگیری ضاربین دهقانان قابل تقدیر است.

در روستای امید از توابع لنجان سفالی بعد از انتخاب دوشنرا زاهالی برای همکاری با هیئت ۷ نفره، عوامل بزرگ مالک روستا که انتخابات را به نفع خود نمی دیدند، به یکی از اعضای شورای ده به نام عزیزالله صادقی، حمله کردند و وی را مجروح ساختند.

خوشبختانه سپاه پاسداران فلاورجان، با اقدامات قاطع، ضاربین را دستگیر و بازداشت کرد. اینک با شروع فعالیت انقلابی هیئت ۷ نفره و با توجه به توطئه های مالکین بزرگ علیه دهقانان، هوشیاری و قاطعیت سپاه پاسداران و سایر ارگان های دولتی ضروری است.

در حاشیه مجلس

هنگام طرح اعتبارنامه دکتر آیت آقای سلامتیا از حقانی، سخنگوی کمیسیون تحقیق (که در این جلسه به جای دکتر یزدی سخن میگفت) پرسید که آیا پرونده موجود در لانه جاسوسی و پرونده حفاظتی درباره آقای آیت را بررسی

کرده اند؟ حقانی پاسخ داد: همه پرونده هادر کمیسیون تحقیق بررسی شد. و حجت الاسلام خلخالی رئیس کمیسیون تحقیق گفت: در این دومورد اصلا هیچ بحثی نشده بود.

اجرای فوری اصل قانون اساسی در مورد ملی کردن بازرگانی خارجی و ایجاد بخش دولتی در توزیع فرآورده های مورد مصرف همگانی، یگانه راه برای کنترل قیمتها و جلوگیری از غارت سرمایه داران بزرگ، دلالتان و محترمان است